

Effect of Environmental Factors on Entrepreneurial Intention among Secondary School Students in Dezful County

Hossein Bakherad¹| Homayoon Moradnejadi^{2✉}| Hossein Mehdizadeh³

1. Department of Entrepreneurship and Rural Development, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran.. Email: baakherad@yahoo.com
2. Corresponding Author, Department of Entrepreneurship and Rural Development, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran.. Email: homayoon.moradnejadi@yahoo.com
3. Department of Entrepreneurship and Rural Development, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran. Email: h.mahdizadeh@ilam.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 12. 02. 2023
Revised: 28. 02. 2023
Accepted: 28. 02. 2023

Keywords:
Entrepreneurial Intention,
Relational Support,
Educational Support,
Structural Support.

ABSTRACT

The main purpose of this study was to explore the effect of environmental factors on entrepreneurial intention among secondary school students in Dezful County, Iran. The statistical population consisted of all students in secondary schools of Dezful Township studying in the theoretical, technical-vocational, and career-knowledge fields (N= 1645). Based on Bartelt's (2001) sampling table, 231 were sampled using the proportionate stratified sampling method. The main research instrument was a questionnaire whose validity was confirmed by a panel of experts and the calculation of average variance extracted and discriminant validity and whose reliability was checked by calculating Cronbach's alpha coefficient and composite reliability. Data was analyzed by SPSS^{win23} and AMOS²³ software in two phases of descriptive and inferential statistics. The results of structural equation modeling revealed that the perceived relational support had a positive and significant effect on the entrepreneurial intention of the students, but the effect of perceived educational and structural supports on entrepreneurial intention was rejected. Therefore, it can be said that although technical-vocational and career-knowledge schools have been established to train the students, they have only focused on theoretical training and their applied training lacks an entrepreneurial view and does not lay the ground for the emergence of entrepreneurial behavior in the students. The findings can have practical implications for secondary school managers, planners, and educators.

Cite this article: Bakherad, H., Moradnejadi, H., & Mehdizadeh, H. (2023). Effect of Environmental Factors on Entrepreneurial Intention among Secondary School Students in Dezful County. *Journal of Entrepreneurship Research*, 2 (1), 15-28.



DOI: [10.22034/JER.2023.1989877.1030](https://doi.org/10.22034/JER.2023.1989877.1030)
© The Author(s).

Publisher: Ilam University Press.

تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهرستان دزفول

حسین باخرد^۱ | همایون مرادنژادی^۲ | حسین مهدی‌زاده^۳

۱. گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: baakherad@yahoo.com
۲. نویسنده مسئول، گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: homayoon.moradnezahadi@yahoo.com
۳. گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: h.mahdizadeh@ilam.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

این پژوهش با هدف تعیین تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهرستان دزفول انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر همه دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهرستان دزفول در شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش بودند (N=1645) که تعداد ۲۳۱ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب برای مطالعه گزینش شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه‌ای بود که روایی آن توسط متخصصان، روایی همگرا و تشخیصی و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بررسی شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS²³ و AMOS²³ انجام شد. یافته‌های مدل سازی معادلات ساختاری نشان داد که حمایت رابطه‌ای درک‌شده تأثیر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مورد مطالعه داشت؛ ولی اثر متغیرهای حمایت آموزشی و ساختاری درک‌شده بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مورد مطالعه تأیید نشد. بنابراین، می‌توان گفت که اگر چه مدارس فنی و حرفه‌ای و کاردانش با ماهیت مهارت‌آموزی دانش‌آموزان دایر گردیده، ولی تنها به آموزش‌های نظری روی آورده و آموزش‌های کاربردی آن‌ها نیز با نگاه کارآفرینی نبوده و بستر ساز بروز رفتار کارآفرینانه در آنان نمی‌باشد. نتایج این مطالعه می‌تواند دستاوردهای مناسبی برای مدیران و مسئولان سازمان آموزش و پرورش و مدارس متوسطه به همراه داشته باشد.

نوع مقاله:

مقاله علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹

کلیدواژه‌ها:

قصد کارآفرینانه،
حمایت آموزشی،
حمایت ساختاری،
حمایت رابطه‌ای.

استناد: باخرد، حسین، مرادنژادی، همایون. و مهدی‌زاده، حسین. (۱۴۰۲). تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهرستان دزفول.

مجله پژوهش‌های کارآفرینی، ۲ (۱)، ۲۸-۱۵.

DOI: [10.22034/JER.2023.1989877.1030](https://doi.org/10.22034/JER.2023.1989877.1030)



© نویسندگان.

ناشر: انتشارات دانشگاه ایلام.

مقدمه

کارآفرینی یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه اقتصادی به‌شمار می‌رود که منافع متنوعی را برای جامعه به دنبال دارد (رضایی و رهسپار، ۱۳۸۸). بنابراین، روشن است که در بین مهارت‌های مورد نیاز دانشجویان و دانش‌آموزان، مهارت کارآفرینی ارزشمندترین مهارتی است که اشخاص هوشمند برای رویارویی با چالش‌های اساسی قرن بیست و یکم به‌ویژه معضل بیکاری باید به آن مجهز باشند (Van der.Linde, 2000). اگرچه کارآفرینی موجب نوآوری، ایجاد شغل و توسعه منابع انسانی می‌گردد (Van Praag & Versloot, 2007)، اما پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فقط درصد کمی از جامعه وارد فعالیت‌های کارآفرینانه می‌شوند (Bosma et al., 2008). بررسی‌ها حاکی از آن است که رفتار کارآفرینی نتیجه قصد و تمایل کارآفرینی افراد می‌باشد (Bird, 1998)، بنابراین، قصد مقدم بر رفتار است (Ajzen, 1991)؛ لذا این امر موجب شده که در پژوهش حاضر، تمرکز اصلی بر قصد کارآفرینی به منظور ترویج و توسعه کارآفرینی باشد.

قصد کارآفرینانه یک حالت ذهنی است که راهنما و هدایت‌کننده اقدامات فردی در جهت ایجاد و توسعه یک کسب‌وکار جدید یا فعالیت کارآفرینانه می‌باشد (Bird, 1998). در واقع، قصد کارآفرینانه را می‌توان به عنوان قصد فرد در اجرای یک رفتار مخاطره‌آمیز (Grundsten, 2004؛ Chuah et al., 2015) و پیشگوکننده اصلی رفتار و فعالیت کارآفرینانه (Krueger et al., 2000) تعریف نمود. پیتوی و کپ (Pittaway & Cope, 2007) بر این باورند که قصد کارآفرینی یک فرد می‌تواند به وسیله تصورات و برداشت شخصی او از موانع و حمایت‌های موجود در زمینه شروع یک کسب‌وکار و همچنین ارزش‌های فرهنگی و محیطی که او در آن قرار گرفته است، متأثر شود. در این راستا، لوتجه و فرانک (Lüthje & Franke, 2002) نیز خاطر نشان می‌کنند که قصد کارآفرینی با ارزش‌های فرهنگی در ارتباط است و حمایت‌ها و موانع ادراک‌شده در شکل‌گیری آن مؤثر هستند (رازقندی و درانی، ۱۳۸۸). در این راستا، بررسی‌ها و مطالعات مختلف حاکی از آن است که محیط، تأثیر زیادی بر شکل‌گیری قصد کارآفرینانه در جوانان و افراد مختلف دارد. برخی از افراد در محیط‌هایی پرورش می‌یابند که زمینه برای تحریک انگیزه‌ها و پرورش ویژگی‌های کارآفرینانه در آنان فراهم است. مطالعات نشان داده است در صورتی که این افراد کسب‌وکاری را شروع کنند، اغلب با موفقیت همراه خواهد بود، اما بیشتر مردم در چنین محیط‌هایی قرار ندارند؛ بنابراین، لازم است از راه برنامه‌های آموزشی به ایجاد انگیزه و پرورش ویژگی‌های کارآفرینانه در آنان اقدام کرد (Lordkipanidze, 2002). لذا، بر مبنای آنچه گفته شد اهمیت و ضرورت شناسایی عوامل محیطی مؤثر بر قصد کارآفرینانه به خوبی آشکار می‌شود.

در این میان، توجه به دانش‌آموزان مقطع متوسطه از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که معمولاً مسیر آینده شغلی افراد در این سنین رقم می‌خورد. اما متأسفانه علی‌رغم اهمیت موضوع و انجام پژوهش‌های گسترده‌ای که در خصوص قصد کارآفرینانه و عوامل مؤثر بر آن انجام شده است، مطالعات معدود و انگشت‌شماری را می‌توان یافت که این موضوع را در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه بررسی نموده باشند. شهرستان دزفول یکی از شهرستان‌های استان خوزستان است که برای اینکه دانش‌آموزان برای ورود به بازار کار آماده شوند، هر ساله هزینه‌های زیادی صرف آموزش آن‌ها می‌شود و نرخ بیکاری در این شهرستان نیز از عدم اثربخشی این آموزش‌ها حکایت دارد؛ لذا بررسی وضعیت قصد کارآفرینانه این دانش‌آموزان و شناسایی عوامل مؤثر بر آن از اهمیت بالایی برخوردار است. این در حالی است که بررسی‌ها نشان داد که افزون بر ناکافی بودن پژوهش‌های پیشین، تاکنون نیز پژوهشی در شهرستان دزفول در این زمینه انجام نشده است. همچنین، هنوز به خوبی واضح نیست که شاخه‌های مختلف نظام آموزش و پرورش (نظری، کارودانش و فنی و حرفه‌ای) چه تأثیری بر ایجاد و یا ارتقای نیت کارآفرینانه دانش‌آموزان داشته‌اند و وضعیت دانش‌آموزان در هر یک از این رشته‌ها به چه صورت است. از سوی دیگر، به‌طور قطع نمی‌توان گفت که چه عوامل محیطی بر ایجاد قصد کارآفرینانه مؤثر هستند، تا به موجب آن در راستای ارتقای این قصد در نظام آموزش متوسطه اقدام نمود.

بنابراین، مجموع این شرایط محققان را بر آن داشت تا در پژوهش حاضر به واکاوی نقش عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان دزفول بپردازد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مطالعات مختلف و زیادی که در حوزه کارآفرینی انجام شده است بیانگر آن است که در تربیت افراد کارآفرین و هدایت آن‌ها به سمت و سوی موفقیت، دو گروه از عوامل مورد توجه قرار می‌گیرند: یکی رویکردها، ویژگی‌ها و رفتار کارآفرینانه فرد و دیگری عواملی که محیط را برای فعالیت کارآفرینانه مساعد می‌کند. در عامل اول، دیدگاه روان‌شناختی ویژگی‌های کارآفرینان را برای فرد بیان کرده و راه‌های کسب این توانمندی‌ها و ویژگی‌ها را به او نشان می‌دهد تا فرد با کسب توانایی‌های فردی دست به فعالیت‌های کارآفرینانه بزند. اما عامل دوم، دیدگاه جامعه‌شناختی است که محیط را متناسب با فعالیت کارآفرین تنظیم کرده و با انواع تسهیلات، حمایت‌ها و تشویق‌ها جامعه را برای فعالیت افراد خلاق و کارآفرین مهیا می‌کند (رازقندی و درانی، ۱۳۸۸).

با توجه به اهمیت قصد کارآفرینی در راه‌اندازی کسب‌وکارها و بروز رفتارهای کارآفرینانه، تا کنون مطالعات گسترده‌ای در این زمینه در داخل و خارج از کشور انجام شده است که در ادامه به صورت اجمالی به مرور نتایج برخی از این مطالعات پرداخته می‌شود. رضایی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان رابطه بین صلاحیت‌های اجتماعی و قصد کارآفرینانه دانشجویان دختر رشته‌های کشاورزی دانشگاه تهران نتیجه گرفت که بین صلاحیت همکاری، صلاحیت همدلی، صلاحیت اقناع و مدیریت احساسات با قصد کارآفرینانه، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. شیری (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان واکاوی تعیین‌کننده‌های محیطی قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی (مطالعه موردی: دانشگاه ایلام) نتیجه گرفت که عوامل محیطی نظیر حمایت اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و الگوهای کارآفرینی به واسطه متغیر مطلوبیت درک‌شده کارآفرینی نقش مهمی در توسعه قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی دارند. واعظی و زیودار (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رفتار کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان نتیجه گرفتند که در بین دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان «هوشیاری کارآفرینانه» اثر مهم و معناداری بر «قصد کارآفرینانه» دارد و در مقابل، «ویژگی رقابت»، اثر معناداری بر «قصد کارآفرینانه» ندارد و اثر تقاطعی «ویژگی رقابت و هوشیاری کارآفرینانه» بر «قصد کارآفرینانه»، معنادار نیست. از طرفی، «قصد کارآفرینانه» اثر مثبت و چشمگیری بر «رفتار کارآفرینانه» دارد و «شخصیت پیش‌گام»، دارای اثر مثبت و معناداری بر شکل‌گیری «رفتار کارآفرینانه» است. واعظی و زیودار (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر ابعاد هوشیاری کارآفرینانه بر قصد کارآفرینانه مطالعه‌ای در نگرش دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان»، نتیجه گرفتند که هوشیاری کارآفرینانه، اثر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینانه دارد. سه مولفه «ارتباطات»، «ارزیابی و قضاوت» و «پایش و جستجو» نیز به عنوان ابعاد هوشیاری کارآفرینانه مورد تأیید است. با بررسی نتایج حاصل از نقش متغیرهای کنترلی بر هوشیاری و قصد کارآفرینانه، تنها متغیر شرکت در دوره‌های کارآفرینی بر قصد کارآفرینانه مؤثر بود. سلام‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر قصد کارآفرینانه» نتیجه گرفتند که مؤلفه‌های شبکه اجتماعی شامل هویت، حضور، به اشتراک‌گذاری، شهرت، گروه‌ها، روابط و گفتگو، تأثیر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینانه دارد. صادقی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تأثیر ویژگی‌های فردی در حوزه مالی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران نتیجه گرفتند که ویژگی‌های فردی در حوزه مالی، بر قصد کارآفرینانه دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، خوش‌بینی مالی و درک دسترسی مالی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد، اما خودباوری و اعتمادبه‌نفس بیش از حد در حوزه مالی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان تأثیر معناداری ندارد. ثنائی‌پور و قزل‌سفلو (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «تأثیر شفقت خود بر قصد کارآفرینانه دانشجویان دانشکده علوم کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه گنبد کاووس» به انجام رساندند. نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیرهای مهربانی با

خود، مشترکات انسانی و به‌هوشمندی با قصد کارآفرینانه، رابطه مثبت و معنادار و بین متغیرهای قضاوت خود، انزوا و فزون همانندسازی با قصد کارآفرینانه رابطه منفی و معناداری وجود دارد. معتقد و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه دیجیتالی دانشجویان علوم کامپیوتر (مورد مطالعه: دانشگاه‌های دولتی استان همدان)» نتیجه گرفتند که بین متغیرهای انگیزشی در مدل رفتار برنامه‌ریزی شده یعنی نگرش، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری درک‌شده با قصد کارآفرینانه دانشجویان، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. صفا و منگلی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تأثیر خودکارآمدی کارآفرینانه بر قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی دانشگاه زنجان» نتیجه گرفتند که قصد کارآفرینانه و خودکارآمدی کارآفرینانه بیشتر دانشجویان مورد بررسی در حد پایین و متوسط بود و خودکارآمدی کارآفرینانه تأثیر مثبت و معنی‌داری بر متغیر وابسته قصد کارآفرینانه داشته است. شاهرخی ساردو و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان نقش مؤلفه‌های دانش سه‌گانه بر نیت کارآفرینانه دانشجویان رشته‌های کشاورزی دانشگاه جیرفت نتیجه گرفتند که برنامه‌ریزان، مدیران و مسئولان نظام آموزش عالی کشاورزی، با همفکری و کمک اعضای هیئت علمی دانشگاه و استفاده از آموزه‌های کارآفرینان موفق بخش کشاورزی، اقدام به ایجاد کسب‌وکار به صورت تعاونی در دانشگاه و بین دانشجویان پیشرو کنند تا هم بتوان در تقویت و بهبود دانش عملی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان موفق بود و هم دانش سازگاری را در آنان تقویت کرد. کریمی و همکاران (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر عوامل محیطی و فرهنگی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی پرداختند و در نهایت به این نتیجه دست یافتند که حمایت از طرف خانواده و آشنایان و حمایت دانشگاهی تأثیر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینی دانشجویان دارد. پورنظری و همکاران (۱۳۹۳) نیز عوامل محیطی مؤثر بر رفتار کارآفرینانه را در کارآفرینان کشاورزی مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعات کتابخانه‌ای محققان مذکور نشان داد مهم‌ترین عوامل محیطی مؤثر بر رفتار کارآفرینانه زیر ساخت‌های محیطی، درجه آسفتگی محیطی و تجربیات محیط شخصی افراد جامعه می‌باشند. واحدی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که روحیه تحمل ابهام، توفیق‌طلبی، ریسک‌پذیری، خلاقیت و کنترل درونی در بین بیشتر دانشجویان در سطح بالا و روحیه استقلال‌طلبی در سطح پایین بوده است. همچنین، مقایسه روحیه کارآفرینی بین دانشجویان ورودی جدید و دانشجویان سال آخر نشان داده است که از نظر ویژگی‌های کارآفرینانه تفاوت معنی‌داری بین این دو گروه وجود نداشته است. دانشجویان دختر و پسر تنها از نظر میزان خلاقیت با یکدیگر تفاوت داشته و دانشجویان دختر از میزان خلاقیت بالاتری برخوردار بوده‌اند و در مورد سایر ویژگی‌های کارآفرینانه تفاوت معنی‌داری بین دانشجویان دختر و پسر مشاهده نشده است. صادقی و ملکی‌نیا (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «ارزیابی دانشجویان از محیط کارآفرینانه و تبیین رابطه آن با محیط کارآفرینانه» نشان دادند که بین تمامی عوامل محیطی کارآفرینانه و قصد کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد. کریمی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای نشان داد که محیط نهادی به‌طور غیرمستقیم و از طریق نگرش کارآفرینی و کنترل رفتاری درک شده با قصد کارآفرینانه در ارتباط است.

بسیاری از مطالعات بر تأثیر ارزش‌گذاری‌های محیطی بر عوامل انگیزشی تبیین‌کننده نیت کارآفرینانه تأکید کرده‌اند (Moriano et al., 2012؛ Liñán et al., 2013). به‌طوری که بر اساس نتایج این مطالعات، ادراکات از مطلوبیت (ارزش‌های جامعه درباره جذابیت کارآفرینی) و امکان‌پذیری (درک توانایی‌ها) بر ایجاد کسب‌وکارهای جدید تأثیر می‌گذارد (Linan et al., 2013). همچنین، ارزش‌گذاری اجتماعی در زمینه کارآفرینی و ارزش‌گذاری‌های محیطی، بر نیت کارآفرینانه تأثیر می‌گذارد (شیری و همکاران، ۱۳۹۳). علاوه بر ارزش‌گذاری اجتماعی، ارزش‌گذاری محیطی نزدیک (ارزش‌های تعداد زیادی از افراد در اطراف فرد) می‌تواند بر کسب دانش درباره مسیر شغلی کارآفرینانه به صورت مثبت و یا منفی اثر بگذارد (Linan et al., 2013). به‌طوری که این ارزش‌گذاری به تولید ادراکات مطلوب‌تر نسبت به راه‌اندازی یک کسب و کار کمک می‌کند (Kim, 2006).

کریمی و همکاران (Karimi et al., 2013) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر تبیین‌کننده‌های نیت کارآفرینی»، نشان دادند که حمایت دولتی می‌تواند به صورت غیرمستقیم از طریق کنترل رفتاری درک‌شده بر نیت کارآفرینانه

دانشجویان تأثیر بگذرد. اگرچه مطالعه‌ای به‌طور دقیق به بررسی نقش غیرمستقیم عوامل زمینه‌ای - محیطی بر نیت کارآفرینانه از طریق متغیرهای میانجی نگرش نسبت به کارآفرینی و کنترل رفتاری درک‌شده وجود ندارد؛ اما برخی مطالعات نشان داده‌اند که نگرش نسبت به کارآفرینی (Carr & Sequeira, 2007; Fini et al., 2012) و کنترل رفتاری درک‌شده (Zhao et al., 2005; Shiri et al., 2012) می‌تواند اثر متغیرهای زمینه‌ای - محیطی را بر نیت کارآفرینانه تعدیل کنند. شیری و همکاران (Shiri et al., 2012) در مطالعه خود نشان دادند که حمایت اجتماعی و الگوی نقش از طریق مطلوبیت درک‌شده (نگرش نسبت به کارآفرینی) بر نیت کارآفرینانه دانشجویان تأثیر می‌گذارد. تورکر و سلکوک (Turker & Selcuk, 2009) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر عوامل زمینه‌ای (در سه بعد حمایت آموزشی درک‌شده، حمایت ساختاری (دولتی) درک‌شده و حمایت رابطه‌ای درک‌شده) بر قصد کارآفرینی دانشجویان پرداختند. نتایج مطالعه آنان نشان داد که از میان ابعاد مذکور، دو بعد حمایت آموزشی درک‌شده و حمایت ساختاری (دولتی) درک‌شده بر نیت کارآفرینانه دانشجویان تأثیر معناداری داشتند. چوه و همکاران (Chuah et al., 2015) در مطالعات خود، تأثیر حمایت‌های محیطی درک‌شده بر قصد کارآفرینانه دانشجویان مالزی را تأیید کردند.

همان‌گونه که از مرور منابع نیز مشخص است، تمرکز اکثر مطالعاتی که به موضوع قصد کارآفرینانه و عوامل محیطی مؤثر بر آن پرداخته‌اند، بر دانشجویان و یا کارآفرینان بوده و انجام چنین پژوهش‌هایی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه از نگاه اغلب پژوهشگران دور مانده است. لذا فرضیه‌های پژوهش حاضر بر مبنای مطالعه تورکر و سلکوک (Turker & Selcuk, 2009) برای تعیین تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان دزفول به‌صورت زیر تدوین می‌شود:

فرضیه یک: حمایت آموزشی درک‌شده تأثیر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان دارد.

فرضیه دو: حمایت ساختاری (دولتی) درک‌شده تأثیر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان دارد.

فرضیه سه: حمایت رابطه‌ای درک‌شده تأثیر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت، از نوع تحقیقات کمی است، با توجه به هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها، جزو مطالعات توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان دزفول در شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش بود. با توجه به گستردگی و پراکندگی مدارس مذکور به روش خوشه‌ای چند مرحله - ای تعداد شش مدرسه (برای هر شاخه یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه) انتخاب شد. حجم جامعه آماری در شش مدرسه منتخب برابر ۱۶۴۵ نفر بود. حجم نمونه آماری با استفاده از جدول بارتلت تعداد ۲۰۰ نفر تعیین شد. برای افزایش نرخ برگشت - پذیری حجم نمونه به ۲۵۰ نفر افزایش داده شد و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی با انتساب متناسب (براساس شاخه تحصیلی) در بین افراد جامعه آماری توزیع شد که در نهایت تعداد ۲۳۱ پرسشنامه تکمیل و برگشت داده شد. ابزار پژوهش، پرسشنامه‌ای مشتمل بر پنج بخش شامل: ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای (سن، جنسیت و نوع مدرسه)، قصد کارآفرینانه (۷ سوال)، حمایت آموزشی درک‌شده (۴ سوال)، حمایت ساختاری درک‌شده (۷ سوال) و حمایت رابطه‌ای درک‌شده (۴ سوال) بود. برای سنجش قصد کارآفرینانه از مقیاس لینان و چن (Linan & Chen, 2009) و برای سنجش عوامل محیطی (حمایت آموزشی، ساختاری و رابطه‌ای درک‌شده) از مقیاس تورکر و سلکوک (Turker & Selcuk, 2009) استفاده شد. روش‌های آماری مورد استفاده در این پژوهش، آمار توصیفی و مقایسه میانگین با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ و مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۳ بودند. مدل‌سازی معادلات ساختاری، روشی است که برای نشان‌دادن، تخمین و آزمون فرضیه‌ها درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و نهفته به‌کار می‌رود (Zampetakis & Moustakis, 2006). مدل‌سازی معادلات ساختاری رویکردی است که شامل دو مرحله، یعنی مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری می‌باشد (Anderson &

(Gerbing, 1998). در مرحله اول، یعنی مدل اندازه‌گیری به بررسی روایی (اعتبار) و پایایی (اعتماد) و برازش متغیرهای نهفته تحقیق با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) پرداخته می‌شود. علاوه بر این، روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه نیز توسط جمعی از متخصصان آموزش کارآفرینی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. برای ارزیابی برازندگی مدل‌های اندازه‌گیری و مدل معادلات ساختاری چندین شاخص برازندگی وجود دارد. در این پژوهش، برای ارزیابی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل معادلات ساختاری از شاخص‌هایی نظیر؛ شاخص کای‌اسکویر بر درجه آزادی (X^2/df)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص نرم‌شده برازندگی (TLI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل برازندگی (AGFI)، شاخص برازندگی فزآیند (IFI)، شاخص جذر برآورد خطای تقریب (RMSEA) و شاخص میانگین مجذور پس‌مانده‌ها (RMR) استفاده شده است. آستانه (معیار) دقیقی برای این شاخص‌ها وجود ندارد. دامنه تغییرات شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص نرم‌شده برازندگی (TLI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل برازندگی (AGFI)، شاخص برازندگی فزآیند (IFI) بین صفر و یک است. در صورتی که مقدار عددی شاخص‌های مذکور بالاتر از ۰/۹۰، شاخص X^2/df کم‌تر از ۳، شاخص RMSEA کوچک‌تر از ۰/۸ و شاخص RMR کوچک‌تر از ۰/۵ باشند، مدل از برازش قابل قبولی برخوردار است (کلانتری، ۱۳۸۸؛ هومن، ۱۳۸۸). در مرحله دوم، با استفاده از مدل ساختاری، به ارزیابی فرضیه‌ها در مورد روابط بین متغیرهای نهفته (سازه‌ها) یا آزمون چارچوب مفهومی پژوهش پرداخته شده است.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌های پژوهش، میانگین سن دانش‌آموزان مورد مطالعه ۱۶/۹۰ سال با انحراف معیار ۰/۶۲ سال بود و آن‌ها در دامنه سنی ۱۶ تا ۱۸ سال قرار داشتند. نتایج نشان داد که ۵۳/۲ درصد از دانش‌آموزان مورد مطالعه پسر و ۴۳/۸ درصد، دختر بودند. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان داد که ۸۴ نفر (۳۶/۴ درصد) از دانش‌آموزان مورد مطالعه در مدارس نظری، ۷۵ نفر (۳۲/۴ درصد) در مدارس فنی و حرفه‌ای و ۷۲ نفر (۳۱/۲ درصد) نیز در مدارس کار و دانش مشغول به تحصیل بودند. براساس نتایج ارائه شده در جدول ۱، مشاهده می‌شود که وضعیت قصد کارآفرینانه و حمایت رابطه‌ای درک‌شده در بین دانش‌آموزان مورد مطالعه در شهرستان دزفول در حد متوسط و وضعیت حمایت آموزشی و ساختاری درک‌شده در حد پایین‌تر از متوسط است.

جدول ۱. توصیف وضعیت متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین*	انحراف معیار
قصد کارآفرینانه	۳/۰۳	۰/۸۷
حمایت آموزشی درک‌شده	۲/۷۲	۱/۰۸
حمایت ساختاری درک‌شده	۲/۵۸	۰/۸۳
حمایت رابطه‌ای درک‌شده	۳/۰۵	۰/۹۴

* میانگین از ۵ است

به‌منظور مقایسه قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مدارس نظری، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش شهرستان دزفول بر اساس نوع مدرسه از آزمون ناپارامتری کروسکال‌والیس استفاده شد (جدول ۲).

جدول ۲. مقایسه قصد کارآفرینانه پاسخگویان بر اساس نوع مدرسه

متغیر وابسته	متغیر مستقل	طبقات	فراوانی	میانگین رتبه‌ای	X ²	Sig.
قصد کارآفرینانه	نوع مدرسه	نظری	۸۴	۱۱۷/۲۴	-/۰۵۴	-/۹۷۴
		فنی و حرفه‌ای	۷۵	۱۱۴/۸۱		
		کارودانش	۷۲	۱۱۵/۸۰		

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۲، مشاهده می‌شود که بین قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مدارس نظری، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش شهرستان دزفول بر اساس نوع مدرسه آن‌ها اختلاف معناداری از لحاظ آماری وجود ندارد. به عبارت دیگر، می‌توان اظهار نمود که نوع مدرسه بر میزان قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مدارس نظری، فنی و حرفه‌ای و کارودانش شهرستان دزفول تأثیر نمی‌گذارد.

پس از پالایش داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، در این تحلیل متغیرهای قصد کارآفرینانه (EI1-EI5)، حمایت آموزشی درک‌شده (PES1-PES4)، حمایت ساختاری درک‌شده (PSS1-PSS6) و حمایت رابطه‌ای درک‌شده (PRS1-PRS3) به همراه ۱۸ نشانگر وارد نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۳ شدند. شاخص‌های نیکویی برازش (جدول ۳)، خلاصه نتایج (جدول ۴) و جذر میانگین واریانس استخراج شده (جدول ۵) ارزیابی مدل اندازه‌گیری تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه در بین دانش‌آموزان مورد مطالعه در ادامه ارائه شده‌اند.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه

شاخص برازش	X ² /df	CFI	TLI	GFI	AGFI	IFI	RMSEA	RMR
مقدار پیشنهاد شده	<3	>0.90	>0.90	>0.90	>0.90	>0.90	<0.08	<0.10
مقدار برآورد شده	۱/۶۲	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۰	۰/۹۶	۰/۰۵۲	۰/۰۷۲

برازش مدل: نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که شاخص‌های ارزیابی نیکویی برازش مدل اندازه‌گیری تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه از مقدار مناسبی برخوردار بودند (جدول ۳)؛ بنابراین، داده‌ها از لحاظ آماری با ساختار عاملی و زیربنای نظری چهار متغیر نهفته پژوهش سازگاری داشتند.

تک‌بعدی بودن نشانگرها: نتایج ارائه شده در جدول ۴، نشان داد که بارعاملی استاندارد شده (λ) تمامی شاخص‌های انتخابی برای سازه‌های مورد نظر بالا (بالا تر از ۰/۵۰) و از لحاظ آماری در سطح خطای یک درصد معنادار بودند (P<0.01). این نتایج شواهد کافی را برای تأیید تک‌بعدی بودن شاخص‌های انتخابی در هر یک از سازه‌های مربوطه فراهم کرد؛ بنابراین، می‌توان اظهار کرد که شاخص‌های انتخابی برای هر یک از سازه‌های قصد کارآفرینانه، حمایت آموزشی درک‌شده، حمایت ساختاری درک‌شده و حمایت رابطه‌ای درک‌شده به درستی انتخاب شده‌اند.

پایایی ترکیبی: نتایج ارائه شده در جدول ۴، نشان داد که پایایی ترکیبی (CR) تمام سازه‌های پژوهش بیشتر از ۰/۶۰ بود؛ بنابراین، تمام متغیرهای نهفته (سازه‌ها) مدل اندازه‌گیری تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه از پایایی مناسبی برخوردار بودند.

روایی همگرا: نتایج ارائه شده در جدول ۴، نشان داد که میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای تمام سازه‌های پژوهش بیشتر از ۰/۵۰ بود؛ بنابراین، تمام سازه‌های مدل اندازه‌گیری تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه از روایی همگرایی مناسبی برخوردار بودند.

جدول ۴. خلاصه نتایج ارزیابی مدل اندازه‌گیری تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه

متغیرهای نهفته	نشانگر	بارعاملی استاندارد	t	CR	AVE
قصد کارآفرینانه (EI)	EI1	-/۶۱	-		
	EI2	-/۷۵	۸/۸۱**		
	EI3	-/۷۹	۹/۱۰**	۰/۸۵	۰/۵۴
	EI4	-/۷۳	۸/۶۰**		
	EI5	-/۷۶	۸/۸۸**		
حمایت آموزشی (PES)	PES1	-/۷۲	-		
	PES2	-/۸۲	۱۴/۶۵**	۰/۸۸	۰/۶۵
	PES3	-/۸۶	۱۱/۸۷**		
	PES4	-/۸۲	۱۱/۵۱**		
حمایت ساختاری (PSS)	PSS1	-/۶۶	-		
	PSS2	-/۶۵	۸/۶۷**		
	PSS3	-/۷۵	۹/۷۳**	۰/۸۶	۰/۵۰
	PSS4	-/۷۵	۹/۶۴**		
	PSS5	-/۷۸	۱۰/۰۰**		
	PSS6	-/۶۴	۸/۴۵**		
حمایت رابطه‌ای (PRS)	PRS1	-/۸۴	-		
	PRS2	-/۷۹	۱۲/۰۰**	۰/۸۴	۰/۶۳
	PRS3	-/۷۴	۱۱/۳۶**		

** معنی‌داری در سطح خطای یک درصد

روایی تشخیصی: براساس نتایج ارائه شده در جدول ۵، مشاهده شد که جذر میانگین واریانس استخراج شده برای هر یک از سازه‌ها ($0.71 < \sqrt{AVE} < 0.81$) بزرگتر از همبستگی بین سازه‌ها ($0.24 < r < 0.60$) بود. این نتیجه نشان داد که نشانگرهای انتخابی برای هر سازه درصد بالایی از واریانس مشترک آن سازه نسبت به سایر سازه‌ها در مدل اندازه‌گیری مورد بررسی را به اشتراک می‌گذارند؛ بنابراین، روایی تشخیصی سازه‌های موجود در مدل اندازه‌گیری تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه تأیید شد.

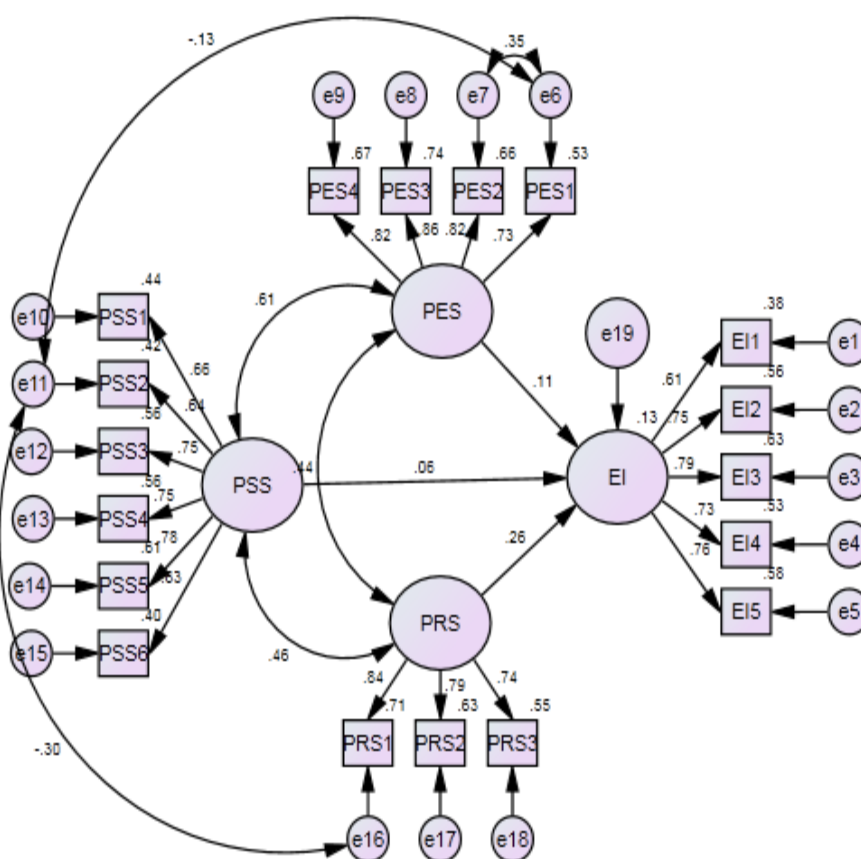
جدول ۵. جذر میانگین واریانس استخراج شده و ضرایب همبستگی

متغیرهای نهفته	۱	۲	۳	۴
۱- قصد کارآفرینانه	۰/۷۳			
۲- حمایت آموزشی درک شده	۰/۲۶	۰/۸۱		
۳- حمایت ساختاری درک شده	۰/۲۴	۰/۶۰	۰/۷۱	
۴- حمایت رابطه‌ای درک شده	۰/۳۴	۰/۴۴	۰/۴۵	۰/۷۹

توجه: اعداد عناصر قطری جدول، جذر میانگین واریانس استخراج شده و عدد پایین قطر جدول، ضریب همبستگی بین سازه‌ها می‌باشند.

با توجه به نتایج ارائه شده می‌توان اظهار کرد که مدل اندازه‌گیری پیشنهادی برای بررسی تأثیر سازه‌های حمایت آموزشی درک شده، حمایت ساختاری درک شده و حمایت رابطه‌ای درک شده بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان دزفول، مدل مناسبی برای انجام تحلیل‌ها در این مطالعه بود.

پس از تأیید مدل اندازه‌گیری تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش در قالب چارچوب مفهومی پیشنهادی از ارزیابی مدل ساختاری استفاده شد. مدل ساختاری پژوهش، با نمایش بارهای عاملی استاندارد شده (شکل ۱) و خلاصه نتایج ارزیابی مدل ساختاری (جدول ۶) حاصل از ارزیابی مدل ساختاری تأثیر سازه‌های حمایت آموزشی درک‌شده، حمایت ساختاری درک‌شده و حمایت رابطه‌ای درک‌شده بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان دزفول در ادامه ارائه شده‌اند.



شکل ۱. مدل ساختاری تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه در حالت استاندارد

ضریب مسیر (β): نتایج ارائه شده در جدول ۶ نشان داد که ضریب مسیر بین حمایت آموزشی درک‌شده و قصد کارآفرینانه از لحاظ آماری معنادار نبود ($\beta = 0.11$, $t\text{-value} = 1.12$). همچنین، ضریب مسیر بین حمایت ساختاری درک‌شده و قصد کارآفرینانه از لحاظ آماری معنادار نبود ($\beta = 0.06$, $t\text{-value} = 0.55$). اما این نتیجه در خصوص رابطه بین حمایت رابطه‌ای درک‌شده و قصد کارآفرینانه صادق نبود؛ به طوری که بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۶ مشاهده شد که ضریب مسیر بین حمایت رابطه‌ای درک‌شده و قصد کارآفرینانه مثبت و از لحاظ آماری در سطح خطای یک درصد معنادار بود ($\beta = 0.26$, $t\text{-value} = 2.83$).

جدول ۶. خلاصه نتایج ارزیابی مدل ساختاری تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه

R ²	ضریب مسیر		متغیرهای نهفته
	t	γ	
	۱/۱۲	۰/۱۱	حمایت آموزشی درک‌شده (PES)
۰/۱۳	۰/۵۵	۰/۰۶	قصد کارآفرینانه (EI)
	۲/۸۳**	۰/۲۶	حمایت رابطة‌ای درک‌شده (PRS)

** معنی‌داری در سطح خطای یک درصد

ضریب تبیین (R^2): نتایج ارائه شده در جدول ۶، نشان داد که ضریب تبیین متغیر نهفته قصد کارآفرینانه برابر ۰/۱۳ بود. بدین معنی که ۱۳ درصد از تغییرات متغیر قصد کارآفرینانه در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان دزفول توسط سازه‌های حمایت آموزشی درک‌شده، حمایت ساختاری درک‌شده و حمایت رابطة‌ای درک‌شده قابل تبیین است. بر این اساس، با توجه به نتایج جدول ۶، می‌توان اظهار نمود که از بین عوامل محیطی، تنها سازه حمایت رابطة‌ای درک‌شده تأثیر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مورد مطالعه دارد، ولی سازه‌های حمایت آموزشی درک‌شده و حمایت ساختاری درک‌شده بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مورد مطالعه تأثیر نمی‌گذارند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که مدل اندازه‌گیری پیشنهادی برای بررسی تأثیر سازه‌های حمایت آموزشی درک‌شده، حمایت ساختاری درک‌شده و حمایت رابطة‌ای درک‌شده بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان دزفول، مدل مناسبی برای انجام تحلیل‌ها در این مطالعه بود. همچنین، یافته‌های پژوهش از عدم معناداری ضریب مسیر بین حمایت آموزشی درک‌شده و حمایت ساختاری درک‌شده با قصد کارآفرینانه حکایت داشت. این در حالی است که ضریب مسیر بین حمایت رابطة‌ای درک‌شده و قصد کارآفرینانه مثبت و از لحاظ آماری در سطح خطای یک درصد معنادار بود و ضریب تبیین نهفته قصد کارآفرینانه برابر ۰/۱۳ بود. به بیانی دیگر، ۱۳ درصد از تغییرات متغیر قصد کارآفرینانه در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان دزفول توسط سازه‌های حمایت آموزشی درک‌شده، حمایت ساختاری درک‌شده و حمایت رابطة‌ای درک‌شده قابل تبیین است که از بین عوامل محیطی، تنها سازه حمایت رابطة‌ای درک‌شده تأثیر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مورد مطالعه دارد، ولی سازه‌های حمایت آموزشی درک‌شده و حمایت ساختاری درک‌شده بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مورد مطالعه تأثیر نمی‌گذارند. بر خلاف یافته‌های این پژوهش، تورکر و سلکوک (Turker & Selcuk, 2009) و شیری (۱۴۰۱) در مطالعات خویش به این نتیجه دست یافتند که عوامل محیطی و زمینه‌ای بر قصد کارآفرینانه دانشجویان تأثیر معناداری دارد. بنا به دلایلی که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد، دانش‌آموزان از حمایت آموزشی چندانی در زمینه کارآفرینی برخوردار نیستند و حمایت‌های دولتی قابل توجهی نیز در کشور ما از کارآفرینان به عمل نمی‌آید که به نظر می‌رسد مجموع این شرایط دست به دست یکدیگر داده تا تأثیر این دو بعد از عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان دزفول به اثبات نرسد. این در حالی است که در بافت فرهنگی ایران حمایت خانواده در زمینه راه‌اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه می‌تواند تأثیر بالایی در پیدایش و یا ارتقای قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان داشته باشد. چرا که در کشور ما، فعالیت‌های افراد اغلب به دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و حمایت‌های خانواده بستگی دارد. نتایج مطالعه نشان داد که میانگین حمایت آموزشی درک‌شده دانش‌آموزان مورد مطالعه ۲/۷۲ با انحراف معیار ۱/۰۸ بود؛ به بیانی دیگر، اکثر (۴۰/۳ درصد) دانش‌آموزان مورد مطالعه در مدارس نظری، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش شهرستان دزفول از حمایت آموزشی درک‌شده پایینی برخوردار بودند. متأسفانه در نظام آموزش و پرورش و به تبع مدارس کشور، آموزش‌هایی که به دانش-

آموزان ارائه می‌شود فاقد کم‌ترین نگاه کارآفرینانه است. به بیانی دیگر، دبیران دبیرستان‌ها، آموزش‌های خود را با نگاه کارآفرینانه تلفیق ننموده و مدارس نیز هیچ‌گونه برنامه مدون و خاصی برای ارتقای قصد و رفتار کارآفرینانه در دانش‌آموزان ندارند. آموزش‌ها صرفاً تئوری بوده، مهارت‌های کارآفرینی به دانش‌آموزان عرضه نمی‌شود و فرصتی برای حضور کارآفرینان در مدارس و ارتباط و تعامل نزدیک آنان با دانش‌آموزان فراهم نمی‌شود.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که میانگین نمره حمایت ساختاری درک‌شده دانش‌آموزان مورد مطالعه ۲/۵۸ با انحراف معیار ۰/۸۳ بود. در واقع، اکثر (۵۳/۲ درصد) دانش‌آموزان مورد مطالعه در مدارس نظری، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش شهرستان دزفول از حمایت ساختاری درک‌شده متوسطی برخوردار بودند. در توجیه این یافته، ذکر دو نکته ضرورت دارد؛ اول: ساختارهای حمایت‌کننده و پشتیبان اندکی در جامعه برای کارآفرینان وجود دارد. در واقع بسیاری از نهادهایی که در کشور با هدف کمک به کارآفرینان راه‌اندازی شده‌اند، فقط و فقط کارآفرین را گرفتار یک‌سری قوانین دست و پاگیر و دست‌اندازه‌های اداری می‌کنند و میزان پشتیبانی آنان از کارآفرینان به نسبت دشواری که پیش‌روی آنان قرار می‌دهند، بسیار اندک است. به عنوان مثال، چه بسیار نهادهای حمایت‌کننده‌ای که در جامعه به‌طور ویژه برای حمایت از کارآفرینان راه‌اندازی شده (نظیر پارک‌های علم و فناوری، بنیاد توسعه کارآفرینی، کانون کارآفرینی و غیره) که به دلیل عدم اطلاع‌رسانی مناسب، دانش‌آموزان و چه بسا بسیاری از کارآفرینان و افراد جامعه از وجود آن‌ها بی‌اطلاعند. لذا به‌نظر می‌رسد این عوامل دست به دست یکدیگر داده تا از نگاه دانش‌آموزان مورد مطالعه میانگین حمایت ساختاری درک شده پایین باشد.

نتایج پژوهش نشان داد که میانگین نمره حمایت رابطه‌ای درک‌شده دانش‌آموزان مورد مطالعه ۳/۰۵ با انحراف معیار ۰/۹۴ بود. به بیانی دیگر، اکثر (۴۸/۱ درصد) دانش‌آموزان مورد مطالعه در مدارس نظری، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش شهرستان دزفول از حمایت رابطه‌ای درک شده متوسطی برخوردار بودند. همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد خانواده، دوستان، اطرافیان و متأسفانه حتی مدارس نیز از فعالیت‌های کارآفرینانه دانش‌آموزان حمایت‌های اندکی را به‌عمل می‌آورند. به باور بسیاری از افراد جامعه، دانش‌آموزان باید تنها به ادامه تحصیل فکر کنند و تمام تلاش و توان خود را برای قبولی در دانشگاه به‌کار گیرند. متأسفانه این باور غلط چنان فراگیر شده که از نگاه بسیاری از افراد جامعه، تنها کسانی که تمکن مالی ندارند، فرزندان دبیرستانی خود را به راه‌اندازی کسب‌وکار و انجام فعالیت‌های شغلی تشویق می‌نمایند. لذا این امر موجب شده که خانواده‌ها از فعالیت‌های شغلی فرزندان خود چندان حمایتی به‌عمل نیاورند و مدارس نیز در جهت تغییر این دیدگاه کوچکترین تلاشی نکنند.

همچنین، نتایج بیانگر آن بود که بین قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مدارس نظری، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش شهرستان دزفول بر اساس نوع مدرسه آن‌ها اختلاف معناداری از لحاظ آماری وجود ندارد. به عبارت دیگر، می‌توان اظهار نمود که نوع مدرسه بر میزان قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان مدارس نظری، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش شهرستان دزفول تأثیر نمی‌گذارد. در توضیح و توجیه این یافته می‌توان چنین گفت که اگر چه مدارس فنی و حرفه‌ای و کار و دانش با ماهیت مهارت‌آموزی دانش‌آموزان دایر گردیده که به نوعی زمینه‌ساز ایجاد مهارت‌های کارآفرینانه و قصد کارآفرینانه در آنان باشد، اما متأسفانه مدارس مذکور از اهداف اصلی خود دور شده و صرفاً به آموزش‌های نظری روی آورده و چنانچه آموزش‌های عملی نیز به دانش‌آموزان ارائه شود، این آموزش‌ها با نگاه کارآفرینی نبوده و بستر ساز بروز رفتار کارآفرینانه در آنان نمی‌باشد.

منابع

پورنظری، محمد، صدیقی، حسن، و چیذری، محمد. (۱۳۹۳). بررسی عوامل محیطی مؤثر بر رفتار کارآفرینانه در کارآفرینان کشاورزی. *کارآفرینی در کشاورزی*، ۱ (۳)، ۱۰۰-۸۳.

ثنائی‌پور، هادی. و قزلسفلو، مهدی. (۱۳۹۸). تأثیر شفقت خود بر قصد کارآفرینانه دانشجویان دانشکده علوم کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه گنبد کاووس. *مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی*، ۶(۱)، ۵۲-۳۷.

رازقندی، ناهید. و درانی، کمال. (۱۳۸۸). شناسایی عوامل فردی و محیطی مؤثر بر موفقیت کارآفرینان برتر استان تهران جهت ارایه الگوی آموزشی. *توسعه کارآفرینی*، ۲(۴)، ۵۵-۳۹.

رضایی، محمدحسن. و رهسپار، طیبه. (۱۳۸۹). بررسی چگونگی ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب. *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱(۲)، ۶۲-۴۵.

رضائی، مسعود. (۱۴۰۱). رابطه بین صلاحیت‌های اجتماعی و قصد کارآفرینانه دانشجویان دختر رشته‌های کشاورزی دانشگاه تهران. *مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی*، ۹(۱)، ۱۲۴-۱۰۵.

سلام‌زاده، آیدین، تاج‌پور، مهدی. و حسینی، الهه. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر قصد کارآفرینانه. *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۵(۱)، ۱۲۴-۱۱۱.

شاهرخی ساردو، صالح، پدram، پیمان، ظریفیان، شاپور. و فکرت، فرناز. (۱۳۹۳). نقش مؤلفه‌های دانش سه‌گانه بر نیت کارآفرینانه دانشجویان رشته‌های کشاورزی دانشگاه جیرفت. *پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، ۶(۳۱)، ۱۰۶-۹۴.

شیری، نعمت‌اله. (۱۴۰۱). واکاوی تعیین‌کننده‌های محیطی قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی (مطالعه موردی: دانشگاه ایلام). *راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی*، ۹(۱۷)، ۱۰۳-۹۴.

شیری، نعمت‌اله، میرک‌زاده، علی اصغر. و زرافشانی، کیومرث. (۱۳۹۳). الگوی مفهومی ترویج کارآفرینی در بین دانشجویان نظام آموزش عالی کشاورزی. *مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی*، ۱(۴)، ۶۸-۴۹.

صادقی، گلبرگ، باقری، افسانه. و چیت‌سازان، هستی. (۱۳۹۸). تأثیر ویژگی‌های فردی در حوزه مالی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران. *توسعه کارآفرینی*، ۱۲(۳)، ۴۸۰-۴۶۱.

صادقی، مهدی. و ملکی‌نیا، عماد. (۱۳۹۰). ارزیابی دانشجویان از محیط کارآفرینانه و تبیین رابطه آن با قصد کارآفرینانه. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱(۱)، ۸۹-۶۹.

صفا، لیلا. منگلی، نسرین. (۱۳۹۴). تأثیر خودکارآمدی کارآفرینانه بر قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی دانشگاه زنجان. *پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، ۷(۳۳)، ۱۵-۳.

کریمی، سعید. (۱۳۹۴). بررسی آثار مستقیم، غیرمستقیم و تعدیلی محیط نهادی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی. *توسعه کارآفرینی*، ۲۱(۲)، ۳۹۰-۳۷۱.

کریمی، سعید، بیمنز، هارم، چیدری، محمد. و مولدر، مارتین. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر عوامل محیطی و فرهنگی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی. *توسعه کارآفرینی*، ۵(۳)، ۱۲۴-۱۰۵.

کلانتری، خلیل. (۱۳۸۸). مدل‌سازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی. تهران: فرهنگ صبا.

معتقد، مهسا، یعقوبی فرانی، احمد. و کریمی، سعید. (۱۳۹۸). تأثیر عوامل محیطی بر قصد کارآفرینانه دیجیتالی دانشجویان علوم کامپیوتر (مورد مطالعه: دانشگاه‌های دولتی استان همدان). *نامه آموزش عالی*، ۱۲(۴۶)، ۱۷۵-۱۴۷.

واحدی، مرجان، مرادنژادی، همایون، شریف‌زاده، ابوالقاسم. و شریفی، مهنوش. (۱۳۸۸). بررسی ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام. *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۰(۲)، ۱۰۱-۹۳.

واعظی، حکیمه. و زیودار، مهدی. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رفتار کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان. *پژوهش نامه مدیریت اجرایی*، ۱۳(۲۵)، ۱۶۳-۱۳۸.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۸). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*. چاپ سوم، تهران: سمت.

Aggarwal, A. K. (2018). Rural Entrepreneurship Development Ecosystem – An Emerging Paradigm of Rural Socio-Economic Development (May 24, 2018). Available at SSRN: <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3184127>.

Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50 (2), 179-211.

- Anderson, J. C., & Gerbing, D. W. (1988). Structural equation modeling in practice: A review and recommended two-step approach. *Psychological Bulletin*, 103, 411-423.
- Bird, B. (1988). Implementing entrepreneurial ideas: The case for intention. *Academy of Management Review*, 13, 442-453.
- Bosma, N., Acs, Z. J., Autio, E., Coduras, A., & Levie, J. (2008). *Global Entrepreneurship Monitor. 2008 Executive Report*. Retrieved May 2010, from <http://www.gemconsortium.org/>
- Carr, J. C., & Sequeira, J. M. (2007). Prior family business exposure as intergenerational influence and entrepreneurial intent: A Theory of Planned Behavior approach. *Journal of Business Research*, 60(10), 1090-1098.
- Chuah, F., Ting, H., Alsree S. R., & Cheah, J. H. (2015). Factors affecting entrepreneurial intention of Malaysian university students. *Conference on Business Management Research II (CBMR II 2015) School of Business Management, Universiti Utara Malaysia, 06010Sintok, Kedah, Malaysia, 22 December 2015*.
- Fini, R., Grimaldi, R., Mizrahi, G.L., & Sobrero, M. (2012). The Determinants of Corporate Entrepreneurial Intention within Small and Newly Established Firms. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 36(2), 387-414.
- Grundsten, H. (2004). *Entrepreneurial intention and the entrepreneurial, A Study of Technology- Based New Venture Creation*, Doctoral Dissertation. Unpublished. Helsinki University of Technology, Finland.
- Karimi, S., Biemans, H. J. A., Lans, T., Chizari, M., Mulder, M., & Naderi Mahdei, K. (2013). Understanding role Models and Gender Influences on Entrepreneurial Intentions Among College Students. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 93, 204-214. doi: 10.1016/j.sbspro.2013.09.179.
- Kim, K. H. (2006). Can we trust creativity tests? A review of the Torrance Tests of Creative Thinking (TTCT). *Creativity Research Journal*, 18, 3-14.
- Krueger, N. F., Reilly, M. D., & Carsrud, A. L. (2000). Competing models of entrepreneurial intention. *Journal of Business Venturing*, 15, 411-432.
- Liñán, F., Nabi, G., & Krueger, N. (2013). British and Spanish Entrepreneurial Intentions: A Comparative Study. *Revista de Economía Mundial*, 33, 73-103.
- Linan, F., Rodrigues-Cohard, J.C., & Rueda-Cantuche, J. M. (2011). Factors affecting entrepreneurial intention levels: A role for education. *International Entrepreneurship Management Journal*, 7, 195-218.
- Lordkipanidze, M. (2002). Enhancing Entrepreneurship in Rural Tourism for Sustainable Regional Development: The Case of Söderslätt Region Sweden. *The International Institute for Industrial Environmental Economics (IIIEE); International Miljö Institute*, 18(2), 209-218.
- Lüthje, C., & Franke, N. (2003). The “making” of an entrepreneur: Testing a model of entrepreneurial intent among engineering students at MIT. *R & D Management*, 33(2), 135-146.
- Moriano, J. A., Gorgievski, M., Laguna, M., Stephan, U., & Zarafshani, K. (2012). A cross-cultural approach to understanding entrepreneurial intention. *Journal of Career Development*, 39(2), 162-185.
- Pittaway, L. Cope, J. (2007). Entrepreneurship Education: A Systematic Review of the Evidence. *International Small Business Journal*, 25 (5), 479-510.
- Shiri, N., Mohammadi, D., & Hosseini, S. M. (2012). Entrepreneurial intention of agricultural students: effects of role model, Social Support, Social Norms and Perceived Desirability. *Archives of Applied Science Research*, 4 (2), 892-897.
- Turker, D., & Selcuk, S. S. (2009). Which factors affect entrepreneurial intention of university students?. *Journal of European Industrial Training*, 33(2), 142-159.
- Van der Linde, Ch. (2000). A new perspective regarding capacities of education institutions to create work. *Journal of Education*, 121(1), 8-54.
- Van Praag, C. M., & Versloot, P. H. (2007). What is the value of entrepreneurship? A review of recent research. *Small Business Economics*, 29, 351-382.
- Zampetakis, L. A., & Moustakis, V. (2006). Linking creativity with entrepreneurial intentions: A structural approach. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 2(3), 413-428.
- Zhao, H., Seibert, S., & Hills, E. (2005). The mediating role of self-efficacy in the development of entrepreneurial intentions. *Journal of Applied Psychology*, 90 (6), 1265-1272.